



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

رشوه  
رشوه  
رشوه  
رشوه  
رشوه  
رشوه  
رشوه  
**رشوه**

مختصر کتابت امین زنگنه



انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# رشوه

نویسنده:

محمد رضا امین زاده

ناشر چاپی:

موسسه در راه حق

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۷	رشوه
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۹	رشوه
۹	مقدمه:
۱۰	مفهوم رشوه
۱۰	بیان مختصری در مفهوم رشوه:
۱۰	رشوه در فقه
۱۱	حکم اولی رشوه:
۱۶	حکم اولی رشوه در غیر احکام قضایی
۱۷	فروعاً مسأله رشوه
۲۲	نظری کوتاه به روایات وارده در رشوه
۲۲	رشوه محض الکفر و کفر عظیم است
۲۴	رشوه سحت است
۲۴	رشوه بئس است
۲۵	رشوه ده و رشوه گیر ملعونند
۲۶	رشوه در اقتصاد
۲۶	اثر منفی رشوه بر اقتصاد
۲۸	تأثیر منفی رشوه بر نظام اداری
۳۰	اثر منفی رشوه بر مردم:
۳۱	رشوه در سیاست
۳۳	رشوه در اخلاق
۳۳	رشوه از کدام صفات رذیله ناشی می شود؟

۳۵ ..... صفات رذیله ناشی از رشوه

۳۵ ..... عامل نابودی رشوه

۳۶ ..... اثر منفی رشوه در عبادت و آخرت انسان

۳۷ ..... هدیه

۳۹ ..... درباره مرکز

## مشخصات کتاب

سرشناسه : امین زاده ، محمدرضا

عنوان و نام پدیدآور : رشوه / محمدرضا امین زاده

مشخصات نشر : قم : موسسه در راه حق ، 1374.

مشخصات ظاهری : ص 32

شابک : بها:500ریال

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع : رشوه (فقه)

شناسه افزوده : موسسه در راه حق

رده بندی کنگره : 6/190BP/الف8ر5 1374

رده بندی دیویی : 297/372

شماره کتابشناسی ملی : م 75-7199

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم هاجر عابدی

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

شناسنامه کتاب

نام کتاب: رشوه

نویسنده: محمد رضا امین زاده

ناشر: مؤسسه در راه حق

تاریخ نشر: پائیز 74 - نوبت اول

چاپ: سلمان فارسی - قم

تیراژ: 5000 نسخه

لیتوگرافی: المهدی - قم

حروف چینی: خدمات کامپیوتری در راه حق

قیمت: 500 ریال

مرکز پخش: قم - چهارراه شهداء - کوچه سلما سی - مؤسسه در راه حق

حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر است

ص: 2



خدا را سپاس که رهبر عظیم الشان انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی - رضوان الله تعالی علیه - و ملت مسلمان ایران به مقصد والایشان که محور نظام شاهنشاهی و جایگزین کردن نظام اسلامی تحت عنوان جمهوری اسلامی بود رسیدند. جایگزینی نظام اسلامی به جای نظام شاهنشاهی مطلبی است که در لفظ خلاصه نمی شود. و باید اخلاق مردم بخصوص کارگزاران نظام از عالی ترین مقام تا نازل ترین مقام، رنگ عقیده و فرهنگ نظام اسلامی گرفته و قوانین و دستوراتی که سبب تضییع حقوق، تبعیض، رفاه طلبی گروهی و فقر و بی چیزی گروه دیگر و... بوده، از بین برود و قوانین در برنامه هایی که متضمن عدالت اجتماعی است و مردم را به نظام و صاحبان نظام خوش بین کرده، زمینه ستایش خدا را فراهم می سازد؛ جایگزین گردد.

از جمله مسائلی که در نظام شاهنشاهی - و هر نظام ضد انسانی دیگر - وجود دارد، آلوده شدن نظام قضایی و اداری کشور به «رشوه خواری» و حاکمیت روابط بر ضوابط است. این مسأله در نظام اسلامی باید به کلی از بین برود و نظام قضایی و اداری کشور، منزه و پاک از وجود رشوه گردد. با توجه به گنجایش این مقال به بررسی مسائل مربوط به رشوه می پردازیم. ابتدا مفهوم رشوه را توضیح داده، آن گاه به بحث از رشوه در فقه، رشوه در اقتصاد، و نیز آثار منفی رشوه در سیاست، اخلاق و عامل اصلی وجود رشوه و صفات رذیله ناشی از رشوه و عامل اساسی محور رشوه خواهیم پرداخت.

### بیان مختصری در مفهوم رشوه:

«رشوه عبارت از چیزی است که کسی به دیگری بدهد برای رسیدن به حاجت از روی چاپلوسی، مدارا و یا رفاقت. و راشی کسی است که پول یا متاعی را به شخصی می دهد تا این که حقی را باطل و یا باطلی را حق نماید. و مرتشی، گیرنده رشوه است و رایش، دلال بین آن دو می باشد.»

«رشوه چیزی است که معمولاً برای حکم به نفع راشی یا برای رسیدن به امری باطل یا باطل ساختن حقی پرداخت می شود.» (1)

به کاربردن کلمه «رشوه» در بیان فوق به جهت واقعیتهای است که در محاکم قضایی و یا ادارات وجود داشته و در بیشتر جوامع قضایی و اداری دنیا مرسوم است. بدین معنا که افراد برای رسیدن به منفعت مادی، سیاسی، اجتماعی و شخصی خود به نزد قاضی یا رئیس اداره، پیش کسی تقدیم می کنند تا به مطلوب خویش نایل شوند، هرچند باطل، ناحق و خلاف عقل و شرع باشد. یا پولی را می پردازند تا به نفع او یا علیه دیگری حکم کنند.

### رشوه در فقه

\* رشوه در فقه (2) در این جا باید ملاحظه کنیم حکم شرع مقدس اسلام که به رشوه تعلق گرفته، چیست؟ و آیا مورد استثنایی هم وجود دارد؟ و به دنبال آن، اقسام رشوه و رشوه در حکم و غیر حکم را از نظر فقهی بررسی می کنیم.

ص: 4

1- و الرَّشْوَةُ بِالْكَسْرِ مَا يُعْطِيهِ الشَّخْصُ الْحَاكِمَ وَغَيْرَهُ لِيَحْكُمَ لَهُ أَوْ يَحْمِلَهُ عَلَيْهِ مَا يُرِيدُ... وَالرَّشْوَةُ قُلٌّ مَا تَسَّ تَعْمَلُ إِلَّا فِيمَا يَتَوَصَّلُ بِهِ إِلَى إِبْطَالِ حَقِّ أَوْ تَمْشِيَةِ بَاطِلٍ. (مجمع البحرين)

2- فقه، بیانگر رفتار افراد به تکلیف شرعی رسیده است و تعیین رفتار شخص و اجتماع طبق احکامی است که در قرآن، سنت، عقل و اجماع مطرح بوده و فقهای اسلام با تلاشی سخت آن ها را بدست آورده و در اختیار صاحبان تکلیف قرار می دهند. و معیار حلال و حرام، مباح و مکروه، واجب و مستحب در منابع فوق مصالح و مفاسدی است که در نظر شارع مقدس در متعلقات احکام می باشد.

از محتوای کتاب های فقهی چنین استفاده می شود که حرام بودن رشوه مورد اتفاق مسلمانان اعم از شیعه و سنی است. در کتاب «مسالک» چنین بیان شده که مسلمانان بر حرام بودن رشوه بر قاضی و شخص حاکم اتفاق دارند. (1) در «مصباح الفقاهه» (2) است که بین شیعه و سنی خلافتی در حرام بودن رشوه نیست، هم برای گیرنده و هم برای دهنده؛ بلکه در کتاب «جامع المقاصد» نگاشته شده که اهل اسلام بر حرام بودن رشوه در حکم - خواه به حق یا باطل ... اجماع کرده اند. و اجمال قول اینست که حرام بودن رشوه از ضروریات دین، و از مواردی است که اجماع مسلمانان بر آن اقامه شده و احتیاجی به استدلال بر آن نیست.» (3)

در کتاب «مهدب الاحکام» است که گرفتن و دادن رشوه حرام است؛ اما دلیل آن در قرآن مجید، ( وَ لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَ تَدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ)؛ (4) اموال یکدیگر را بناحق مخورید و به وسیله آن مال ها به حکم رانان تقرب مجوید تا این که قسمتی از اموال مردم را به گناه (رشوه) بخورید با این که شما می دانید و آگاهید- که ناحق است.

استفاده آن عالم جلیل القدر از آیه فوق در حرام بودن رشوه، از کلمه «اثم» است. به این نحو که اگر بنا بگذارید که در اموال یکدیگر بناحق تصرف کنید، قهری است که کارتان به محاکم قضایی می افتد. در آن جا برای این که دعوای خویش را به اثبات برسانید چاره ای جز جلب رضایت قاضی ندارید و برای رضایت او عملی را مرتکب می شوید که عنوان رشوه دارد و این، اثم و گناه است و ارتکاب گناه در شریعت، مورد نهی خداست؛ یعنی، نباید انجام گیرد. بنابراین، انجام آن حرام است. و حدّ دلالت آیه حرمت رشوه، در حکم به باطل

ص: 5

---

1- مسالک، ج 1، ص 131، ... و علی تحریمه اجماع المسلمین...

2- مصباح الفقاهه، ج 1، ص 263 - 264.

3- مصباح الفقاهه، ج 1، صص 263 - 264

4- سوره بقره، آیه 188

است. و شخص هم با توجه به این که حکم باطل است، رشوه می دهد و حاکم نیز آن را اخذ می کند.

«اما دلیل حرمت رشوه در سنت، به روایات و احادیث متواتره هست» (1) اما اجماع، از مسلمانان بلکه تمام عقلایی که اجتماع شان دارای قاضی و حاکم است گرفتن رشوه در حکم را زشت می دانند. اما دلیل عقلی اینست که رشوه برای اثبات باطل و باطل ساختن حق است و چنین عملی ظلم محسوب می شود و چه ظلمی شدیدتر و بالاتر از این. (2)

در نظر عقل، ظلم از حیث ذات زشت است. بنابراین، دفع و اخذ رشوه مصداق ظلم بوده و عملی قبیح می باشد. برای تحلیل بیشتر به آیات و روایات وارده در باب رشوه نظر می کنیم. قرآن مجید راجع به اهل کتاب - که بناحق حکم کرده و کتاب خدا را تحریف می کردند - می فرماید: (أَكَاوُنَ لِّلسُّحْتِ)؛ (3) اینان حرام خوانند. (اموال نامشروع را می خورند) جراح مدائنی از امام صادق - علیه السلام - روایت کرده که آن حضرت فرمود: «رشوه گرفتن در حکم، از موارد خوردن سحت است.» (4) سحت مالی است که از طریق نامشروع به دست آید. و رشوه سحت نام گرفته، زیرا که حرام است؛ یعنی شارع از دفع و اخذ آن نهی کرده است. نفس کلمه «سحت» دلیل واضح بر حرمت است. و قرآن مجید نیز می فرماید: ( وَ تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكَلِهِمُ السُّحْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ، لَوْ لَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّائِيُونَ وَالْأَحْبَابُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكَلِهِمُ السُّحْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ... ) (5) و بسیاری از یهود را می بینی که در گناه و ستم کاری (تجاوز به حقوق) و خوردن حرام شتاب می کنند؛ بدکاری را پیشه خود کرده اند. چرا علمای ربانی و احبار آنان را از گفتار

ص: 6

- 
- 1- تواتر به این معناست که راویان آن قدر زیاد هستند که عقل، اجماع و اتفاق شان را بر کذب مردود می شمارد. وسائل الشیعه، ابواب ما یکتسب به، باب 5، صص 61 - 67، ج 12 و نیز ابواب آداب القاضی، باب 8، ج 18
  - 2- مهذب الاحکام، ج 27، ص 32.
  - 3- سوره مائده، آیه 42
  - 4- بحار، ج 104، صص 4 - 273 طبع ایران. وسائل الشیعه، ج 18، ص 163، روایت 7.
  - 5- سوره مائده آیه 62 و 63

گناه و خوردن مال حرام باز نمی دارند؟ چه بد است رفتاری که می کنند.

«أَكَلَ سَحْتًا» یعنی خوردن مال حرام در ردیف عدوان و گناه قرار گرفته. گناه و عدوان دو فعل حرام هستند. و خوردن سحت (مال حرام) نیز به حکم سیاق واحد در آیه حرام است. و حرمت این سه به جمله (لَيْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) تأیید شده است. این بهترین تعبیر بر این است که شارع مقدس از انجام چنین عملی ناخشنود است. و دلالت بر شدت ناخشنودی نیز دارد. و این شدت در نارضایتی آن عمل دلیل قاطع بر حرام بودن می باشد. (1)

در روایات، «رشوه» یکی از مصادیق سحت بیان شده است و رشوه در حکم، در ردیف مصادیقی از سحت قرار گرفته که شکی در حرمت آن ها نزد علما و فقها نیست.

سکونی از امام صادق - علیه السلام - و آن حضرت از پدرانش - علیه السلام - و آنان از امیر المؤمنین - سلام الله علیه - نقل کرده که فرمودند: (السُّحْتُ ثَمَنُ الْمَيْتَةِ وَ ثَمَنُ الْكَلْبِ، وَ ثَمَنُ الْخَمْرِ، وَ مَهْرُ الْبَغِيِّ، وَ الرِّشْوَةُ فِي الْحُكْمِ، وَ أَجْرُ الْكَاهِنِ)؛ (2) سحت، قیمت و پول مردار است و قیمت سگ و قیمت شراب و مهر و اجرتی است که روسپی می گیرد و رشوه در حکم و اجرت کاهن (غیب گو و جادوگر) است.

امام باقر - علیه السلام - به نقل از پدران گرامی اش - سلام الله علیهم - فرمود: «پیامبر - صلی الله علیه وآله - در وصیتی به امیر المؤمنین - سلام الله علیه - فرمود: «ای علی! قیمت میته و سگ و شراب و مهر زانیه و رشوه در حکم

ص: 7

---

1- تعداد بسیاری از احادیث معتبره، «رشوه» را به منزله کفر به خدای بزرگ نامیده اند که مآخذ آن روایات را فهرست وار آورده، سپس به عنوان نمونه، چند حدیث را که دلالت دارند: «رشوه، سحت و کفر است یا رشوه خوار مشرک است» در متن ذکر شده است. اما روایاتی که رشوه را کفر نامیده اند: وسائل الشیعه، ج 12، صص 62-65، حدیث 1، 2، 8، 12، 16، وج 18، ص 163، حدیث 8 و بحارالانوار، ج 104، ص 274، حدیث 8 و 12

2- بحار، ج 104، صص 3 - 272، روایت 1 طبع ایران، به نقل از الخصال، ج 1. و همین روایت با همین مضمون در وسائل الشیعه ج 12 ص 62 با سندی دیگر از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است و در ص 63 با سندی دیگر از امام صادق (علیه السلام) از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) روایت شده.

در برخی از روایات، رشوه فوق سحت، بلکه کفر به خدا و رسول محسوب شده است. عمار بن مروان گفت: از امام باقر - سلام الله علیه - از غلول - خیانت - سؤال کردم، فرمود: «هر چیزی که کسی از امام و پیشوای مسلمین (غُلُول) نماید سحت است.» (2) و خوردن مال یتیم و نظیر آن سحت می باشد. و سحت انواع بسیاری دارد؛ از جمله، اجرت و مزدی است که زنان بدکار بابت بدکاری شان می گیرند و قیمت خمر و نیذ و مست کننده، و ربا بعد از اطلاع و آگاهی به حرمت آن و اما رشوه در حکم براستی که کفر به خدای عظیم - جل اسمه - و به رسولش (صلی الله علیه وآله) می باشد.» (3)

در این روایت، رشوه در واقع فوق سحت قرار داده شده و از آن تعبیر به کفر به خدا و رسول شده است.

و در حدیثی چنین آمده است که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: (إِيَّاكُمْ وَالرِّشْوَةَ، فَإِنَّهَا مَحْضُ الْكُفْرِ، وَ لَا يَشْتُمُ صَاحِبُ الرِّشْوَةِ رِيحَ الْجَنَّةِ)؛ (4) بر شما باد که از رشوه پرهیزید؛ براستی که رشوه خواری کفر محض است و صاحب رشوه بوی بهشت به مشامش نمی رسد.

امام صادق - علیه السلام - در ضمن بیان انواع سحت فرمود: (وَ أَمَّا الرِّشَاءُ فِي الْحُكْمِ فَهُوَ الْكُفْرُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ)؛ (5) و اما رشوه، در حکم کفر به خدای بزرگ است.

ص: 8

1- وسائل الشیعه، ج 12، ص 63 روایت 9

2- غُلُول به معنی خیانت از بیت المال و از امام مسلمین است، و گاهی غُلُول به هدیه ای می گویند که کسی برای پیشوای سلطان و حاکم و رئیس و هرکسی که کارها و حوایج مردم به دست اوست ببرد. الْهَدِيَّةُ إِلَى الْإِمَامِ غُلُولٌ - الْهَدِيَّةُ تَذْهَبُ بِالسَّمْعِ وَالْقَلْبِ وَالْبَصَرِ - الْهَدِيَّةُ تَعَوَّرَ عَيْنَ الْحَكِيمِ - هَدَايَا الْعُمَّالِ غُلُولٌ - هَدَايَا الْعُمَّالِ حَرَامٌ كُلُّهَا - أَخَذَ الْأَمِيرُ هَدِيَّةً سَحْتٌ وَقَبُولُ الْقَاضِي الرِّشْوَةُ كُفْرٌ - مَنْ شَفَعَ لِأَخِيهِ فَأَهْدَى لَهُ هَدِيَّةً عَلَيْهَا فَقَبِلَهَا مِنْهُ فَقَدْ أَتَى بَابًا عَظِيمًا مِنْ أَبْوَابِ الرَّبَا: (كنز العمال، ج 6، صص 112 و 111) الْهَدَايَا الْأُمْرَاءِ غُلُولٌ - هَدَايَا الْأُمْرَاءِ غُلُولٌ - هَدَايَا السُّلْطَانِ سَحْتٌ وَغُلُولٌ - هَدِيَّةُ الْأَمِيرِ غُلُولٌ - (كنز العمال، ج 6، ص 115)

3- وسائل الشیعه، ج 12، صص 62 - 61، حدیث 1.

4- بحار، ج 104، ص 274، روایت 12، طبع ایران.

5- وسائل الشیعه، ج 12، ص 62، حدیث 2.

در برخی روایات، صاحب رشوه مورد لعن قرار گرفته و ملعون خوانده شده؛ به عنوان مثال: قال النبي (صلى الله عليه وآله): (الرَّاشِي وَ الْمُرْتَشِي وَالْمَأْشِي بَيْنَهُمَا مَلْعُونُونَ)؛ (1) رشوه دهنده، رشوه گیرنده و واسطه بین این دو همگی ملعون هستند.

در «کنز العمال» به نقل از «مسند» احمد و «مستدرک» حاکم، این حدیث از رسول گرامی (صلى الله عليه وآله) آمده است که فرمود: (لَعَنَ اللَّهُ الرَّاشِيَّ وَالْمُرْتَشِيَّ وَالرَّائِسَ الَّذِي يَمْشِي بَيْنَهُمَا) (2)؛ خدا رشوه دهنده، رشوه گیرنده و واسطه بین این دو را لعنت کند.

(لَعَنَ اللَّهُ الرَّاشِيَّ وَالْمُرْتَشِيَّ فِي الْحُكْمِ)؛ (3) خدا رشوه دهنده و رشوه گیرنده در حکم را لعنت کرده است.

(لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الرَّاشِيِّ وَالْمُرْتَشِيِّ)؛ (4) لعنت خدا بر رشوه دهنده و رشوه گیرنده.

(لِعَنْ أَخِذَ الرِّشْوَةَ فِي الْحُكْمِ كَأَنْتَ سِتْرًا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ)؛ (5) کسی که در حکم، رشوه می گیرد لعنت شده است و این رشوه پرده و حاجبی است بین او و بین بهشت.

در برخی روایات، به گیرنده رشوه عنوان مشرک داده شده است:

أصْبَغَ مِنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ - سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهِ - نَقَلَ كَمَا فِي مَوْدٍ: (أَيُّمَا وَالٍ اخْتَجَبَ مِنْ حَوَائِجِ النَّاسِ اخْتَجَبَ اللَّهُ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَعَنْ حَوَائِجِهِ وَإِنْ أَخَذَ هَدِيَّةً كَانَ غُلُولًا وَإِنْ أَخَذَ الرِّشْوَةَ فَهُوَ مُشْرِكٌ)؛ (6) هر والی - و مسؤولی - ... اگر (در برآوردن حوائج سیاسی و اجتماعی مردم هدیه ای قبول کند غلول است و اگر رشوه بگیرد پس او مشرک است.

از مجموع روایات و آیات چنین استفاده می شود که دفع و اخذ رشوه مورد

ص: 9

1- بحار، ص 274، ج 104، روایت 9

2- کنز العمال، ج 6، ص 114

3- کنز العمال، ج 6، ص 113، ش 15079

4- کنز العمال، ج 6، ص 113، ش 15078

5- کنز العمال، ج 6، ص 120، ش 15109

6- وسائل الشیعه، ج 12، ص 64 و 63

تنفر شدید شارع مقدس اسلام و حرام می باشد و مرتکب آن گناهکار است. و عاقبت او افتادن در آتش است. (الرَّاشِي وَالْمُرْتَشِي فِي النَّارِ)؛ (1) دافع و آخذ رشوه در آتش جهنم هستند. بنابراین، حکم اولی رشوه حرام بودن آن است. و چنان که در روایات ملاحظه شد، برخی رشوه را مفید به رشوه در حکم کرده اند. اما رشوه در غیر موارد حکم، مانند رشوه گیری که متعارف در ادارات است، حکم اولی آن چیست، باید بررسی شود. به همین جهت لازم می بینیم مقداری نیز به بررسی از حکم اولی رشوه در غیر حکم بنشینیم.

## حکم اولی رشوه در غیر احکام قضایی

در هر حکومتی، در پست های مختلف جهت دفع گرفتاری، مشکلات و حوایج مردم کارگزارانی گماشته می شوند. و اینان حقوقی را از بیت المال می گیرند و جهت راه اندازی کار مردم حق گرفتن و جهی را ندارند. و کم ترین چشم داشتی از مراجعین نباید داشته باشند. اگر این افراد، روزی بنا گذاشتند که تا مبلغی از رجوع کننده دریافت نکنند و یا مراجعین تا عملی مفید برای آن ها انجام ندهند به کارشان رسیدگی نکنند. و یا رجوع کننده برای این که کارگزار از برخی مسائل و قوانین اداری چشم پوشی کند و یا نوبت دیگران را در رسیدگی به کارش به او دهد، عملی که خوشایند کارگزار باشد، انجام دهد. و کارگزار هم تحت تأثیر عمل او قرار گرفته و قانون اداری را درباره اش اجرا نکرده و نوبت و یا حق تقدم اشخاص را رعایت نکند و به او بدهد آیا چنین عملی مصداق سحت و اکل مال به باطل است؟

اصبغ بن نباته از امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - نقل کرده که آن حضرت فرمود: (أَيُّمَا وَالٍ اخْتَجَبَ مِنْ حَوَائِجِ النَّاسِ اخْتَجَبَ اللَّهُ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَعَنْ حَوَائِجِهِ وَإِنْ أَخَذَ هَدِيَّةً كَانَ غُلُولًا وَإِنْ أَخَذَ الرِّشْوَةَ فَهُوَ مُشْرِكٌ)؛ (2) هر کارگزاری که خود را از (برآوردن) خواسته ها و حاجات مردم پنهان دارد، خداوند در روز قیامت (خویش را) از او و خواسته هایش بیوشاند. (کنایه از این که او را در

ص: 10

1- کنز العمال، ج 6، ص 113، ش 15077.

2- وسائل الشیعه، ج 12، ص 64، روایت 10.



سایه رحمت خود قرار ندهد) و اگر (کارگزاری) هدیه بگیرد هدیه گرفتنش خیانت است و اگر رشوه بگیرد، مشرک است.

در روایت فوق، کلمه (أَيُّمًاوَالٍ) آورده، که اعم از قضات و غیر قضات هستند. هر فردی که به گونه ای در رابطه با امور مردم است. به همین جهت، جمله (إِنْ أَخَذَ الرَّشُوءَ) مقید به رشوه در حکم فقط نمی شود. برخلاف روایات قبلی که امکان تقیید در آن ها بود.

در روایتی، از امام رضا از پدرانش - سلام الله علیهم - آمده که امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - راجع به گفته خدای عز و جل: (أَكَاوُنَ لِلْسُّحْتِ) فرمود:

(هُوَ الرَّجُلُ يَفْضِي لِأَخِيهِ الْحَاجَةَ ثُمَّ يَقْبَلُ هَدِيَّتَهُ)؛ (1) خورنده مال حرام آن مرد (کارمندی) است که خواسته برادر دینی خود را بر می آورد و سپس از او هدیه قبول می کند.

وقتی قبول عمل و وجهی از جانب کارگزار به عنوان هدیه سحت باشد، رشوه در مورد برآوردن حاجت به طور اولی، سزاروار سحت خواهد بود. (هُوَ رَجُلٌ) شامل قاضی، غیر قاضی و هر کارگزاری می شود. و کلمه «حاجت» اعم از اینست که خواسته رفع مخاصمه باشد و یا راه انداختن امری از اموراداری و ... (2)

## فروعاً مسألة رشوه

1- در مسألة قضاء، قاضی وظیفه دارد مطابق با واقع - که با دقت نظر برایش ابراز شده - عمل کرده و حکم را که علیه شخصی و برله دیگری است، صادر کند. در مقام صدور حکم، بر او واجب عینی است که اگر بخواهد حکم کند، باید

ص: 11

1- بحار، ص 273، ج 104، طبع ایران

2- ( لا تَخْتَصُّ الرَّشُوءَ بِمَا يَبْدُلُ لِلْقَاضِي لِيَحْكُمَ لَهُ، بَلْ تَجْرِي فِي غَيْرِ الْحُكْمِ أَيْضاً كَمَا إِذَا بَدَلَ شَيْئاً لِحَاكِمِ الْعَرَفِ أَوْ لظالم أَوْ رَيْسِ لِيَعِينَهُ عَلَى ظَلَمٍ أَوْ غَيْرِهِ مِنَ الْمَعَاصِي، وَنَحْوِ ذَلِكَ فَتَكُونُ حَرَاماً وَلا تَخْتَصُّ بِالْمَحْرَمِ، بَلْ قَدْ لا تَكُونُ حَرَاماً كَمَا إِذَا بَدَلَ شَيْئاً لِيَعِينَهُ عَلَى احْتِقَاقِ حَقِّ أَوْ دَفْعِ ظَلَمٍ أَوْ أَمْرٍ مَبَاحٍ ... ) عروة الوثقى، ج 3، ص 24

مطابق با واقع و به حق حکم کند. چنان چه برای حکم کردن به حق که واجب عینی است، رشوه بگیرد، مرتکب حرام شده است و چنین قاضی و حاکمی از عدالت خارج شده و صلاحیت قضاوت بین مردم را ندارد. اطلاق آیات و روایات شامل این مرحله از حکم می شود.

2- طبق اطلاق روایات در باب حرام بودن رشوه، هر عملی که قاضی و یا هر حاکم و کارگزاری را در نادیده گرفتن قانون و حکم بناحق و یا انجام کاری که خلاف مصوبه نظام اداری کشور و اسلام است، برانگیزد، حرام می باشد.

3- گاهی قاضی و یا غیر او رشوه می گیرند تا حکم یا عملی را که باطل بوده ولی به نفع رشوه دهنده هست، انجام دهند. در چنین موردی کارگزار (خواه قاضی و غیره) یا علم به باطل بودن عملش دارد و یا جاهل به باطل بودن عملش است. در این جا شخص کارگزار دو حرام را مرتکب شده:

1. برای حکم و عملش رشوه گرفته است.

2. از روی علم یا جهل، ولی به رأی خویش حکم کرده (1) و عملی باطل و خلاف شرع مرتکب شده است.

4- اگر شخصی برای گرفتن حشش ناچار از رجوع به محاکم جور شده است (2) و برای رسیدن به حق خود هیچ راهی جز دادن رشوه به حاکم ندارد. و یا کار بسیار ضروری اش در اداره ای انجام نمی گیرد، جز به دادن رشوه و چنان چه به پرداخت رشوه اقدام نکند، بسیار متضرر می شود.

در این مورد، از باب اکل میته، شارع مقدس تا رفع اضطرار دفع رشوه را

ص: 12

---

1- حکم به رأی و یا کاری را به رأی خود و بدون مجوز قانونی انجام دادن، ظنی است که قرآن آن را جایز نشمرده است؛ (وَ مَا يَتَّبِعُ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ)؛ رجوع کنید به: سوره یونس، آیه 36؛ سوره انعام، آیه 116؛ سوره اسراء، آیه 36؛ سوره یونس، آیه 60 و نیز روایاتی که در وسائل الشیعه، ج 28 باب عدم جواز القضاء بالرأی در حرمت حکم به رأی وارد شده است.

2- محاکم جور جاهایی است که حکم از غیر مجتهد جامع شرایط یا از غیر مأذون از طرف مجتهد جامع شرایط صادر شود و مجتهد ده شرط دارد تا جامع شرایط شمرده شود. رجوع کنید به: عروة الوثقی، کتاب التقلید مسأله 22 و 68

جایز شمرده است. اگرچه اخذ آن بر قاضی و کارگزار حرام است. (1)

5- چنان چه وجهی را به قاضی و یا کارگزار نظام پردازد و یا عملی را به خاطر آن ها انجام دهد تا نظرشان را به مصلحت و نفع خود جلب کند، ولی به آن وجه و عمل، عنوان حق الزحمه بدهد، شکی نیست که این عمل از مصادیق سحت و رشوه است، و تغییر نام، موضوع را عوض نمی کند. و سبب تغییر حکم نمی شود. (2)

6- آن چه را برای جلب توجه قاضی و کارگزار می پردازد، اگرچه به عنوان هدیه باشد، چنین هدیه ای حکم رشوه را دارد که در آخر این مقال بیان خواهیم داشت.

7- گاهی افرادی کاندیدای نمایندگی و وزارت و ... می شوند و برای جلب نظر برخی از کارگزاران به آن ها رشوه می دهند تا با پشتوانه آن ها در انتخابات به پیروزی برسند و یا دولت، وزیر و یا وزیری را به مجلس شورای اسلامی معرفی می کند و برای این که رأی مثبت به وزرای مورد نظر او بدهند، به آن ها رشوه می دهد. و یا کارگزاری برای ارتقای مقام به مافوق خود رشوه می پردازد. و یا پدری برای قبولی فرزندش به معلم و استاد و یا رئیس مدرسه رشوه می دهد. ... تمام موارد فوق از مصادیق رشوه در غیر حکم است، و حکم اولی رشوه در غیر حکم، حرام بودن آن می باشد، زیرا اشخاص یا جهت نمایندگی، وزارت، ارتقای مقام و داشتن مقام علمی بیشتر صلاحیت دارند و یا ندارند؟ اگر دارای صلاحیت، هستند که وظیفه اجتماعی شخص اینست که خود را برای فلان مقام خاص عرضه کند و بر جامعه و افراد ذیربط لازم است که از او استقبال کنند و یا مجلس شورای اسلامی به او رأی دهد و مقام ذیربط به آن شخص ارتقای مقام دهد. و معلم نمره قبولی را به دانش آموز و دانشجویش بدهد. در چنین صورتی فقط در وقت وجود ضرورت و پیش آمدن حرج، اضطراب و ضرر

ص: 13

---

1- (نعم لا بأس باعطائها إذا كان الراشي محققاً في دعواه، ولا يمكن له الوصول إلى حقه إلا بالرشوه...)؛ مصباح الفقاهه، ج 1، ص 274 (لو توقف التوصل إلى حق لم يَأثم الدافع لها و أن حرم على الأخذ و تحرم ايضاً أن كان ايضاً أن كان محققاً ولم يتوقف التوصل إلى الحق عليها).

2- رجوع شود به: مصباح الهدایه، ج 1، ص 237؛ و مهذب الاحكام، ج 27، صص 34 و 35، مسأله 12 و 11

اجتماعی و... از باب اکل میته، ممکن است رشوه جایز شود. در غیر این صورت، رشوه مجوزی ندارد، زیرا مصداق *أَكَلُونَ لِلسُّخْتِ* است و اطلاق روایت اصبع بن نباته از امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - شامل آن می شود. و در صورتی که صلاحیت نداشته باشد، رشوه اقدام به نادیده گرفتن قوانین و ضوابط اداری، سیاسی و اظهار نظر مثبت در مورد اموری است که واقعیت ندارد. و این مورد بطریق اولی اکل مال به باطل و اکل سحت است.

8- افرادی که هنگام انتخابات نمایندگی مجلس، به سران قوم و یا مردم یک منطقه جهت جلب آن ها، پول هایی را به مصرف می رسانند و یا وعده هایی می دهند که احیاناً از عهده آن ها خارج بوده و نمی توانند به آن ها وفا کنند و یا در باره خود کمال هایی را احیاناً جعل می کنند که در آن ها نیست و یا به صورت ضعیف هست ولی نحوه بیان او به گونه ای می باشد که آن را به صورت شدید جلوه می دهد. آیا این موارد از مصادیق رشوه در غیر حکم بوده و حرام است؟ یا از مصادیق نیست؟ در صورتی که از مصادیق نیست، آیا دلیل دیگری بر حرام بودن آن هست یا نیست؟

موارد فوق را به طور قاطع نمی توان از مصادیق رشوه در غیر حکم ذکر کرد، زیرا معمول در جوامع بشری اینست که افرادی کاندیدا می شوند و برای جلب آرا اکثریت مردم، تبلیغات می کنند و لازمه تبلیغات اینست که جلب قلوب کنند. و برای جلب قلب ها، پول هایی را خرج می کنند، سخنانی را ایراد می کنند و در سخنان خود وعده هایی می دهند و به وصف و تعریف از خود می پردازند. صرف پول در چنین مواردی یک امر عرفی عقلایی بوده و از مصادیق رشوه نمی باشد و دلیل بر حرمت آن نداریم. البته ممکن است مقداری را که خارج از معمول عرفی و عقلایی خرج می شود از باب اسراف، حرام بدانیم. و اما وعده هایی که می دهند ولی قدرت وفای به آن ها را ندارند. قهراً از باب علم به تخلف به وعده و وفا نکردن به آن، چنین وعده هایی حرام است؛ و اگر واقعاً علم دارد به این که قادر است بعد از گرفتن مسئولیت آن ها را انجام دهد و قصد انجام آن ها را هم دارد و انجام دادن آن ها از نظر شرعی جایز باشد. چنین وعده دادنی برای جلب نظر مردم هیچ اشکال شرعی ندارد.

اما آن چه از کمال در او نیست و او خود را صاحب آن کمال محسوب می کند و یا به نحو ضعیف هست و او آن را به صورت شدید بیان می دارد، قهراً به مردم دروغ گفته است و از باب حرمت دروغ حرام است.

9- اظهار کرنش ها و تعظیم های غیر معمولی که اشخاص در نزد مافوق می کنند، یا برخی از مردم در نزد قاضی و کار گزاران انجام می دهند تا با جلب خشنودی آنان و در موقع مراجعه مورد توجه قرار گیرند، مصداق رشوه بوده و حرام است. (1)

10- اگر چیزی را به حاکم یا کارگزاری ببخشد، یا هدیه ای برایش ببرد، یا معامله ای را به کمتر از قیمت آن با او انجام دهد و امثال این امور را با خود او یا یکی از دوستان یا بستگان او بخاطر جلب توجه و نظر او انجام دهد تا این که او کار باطلی را انجام دهد یا حق کسی را ضایع کند، یا خلاف اسلام و قانون عمل نماید یا بخاطر این که کارهای نادرست را کرده او را با این هبه و هدیه و مصالحه و معامله ... تشویق کند همه این موارد رشوه و یا در حکم رشوه بوده و دادن و گرفتن آن حرام و سخت است و آن هبه و هدیه، معامله و مصالحه هم به نظر بعضی باطل است.

11- رشوه گیرنده، هرگز مالک وجه دریافتی و یا عمل شخصی نمی شود. اگر رشوه گرفت، عودت دادن آن واجب است. (2) و یا اگر عملی بود که اجرتی به آن تعلق می گیرد و او از این عمل بهره مند شده، مانند این که لباسی برای او دوخته باشد، باید اجرت را بپردازد.

12- اگر ارباب رجوع یا افراد متخاصم مبلغی را به کار گزار و قاضی بپردازند و یا برای آن ها عمل نافی را انجام دهند و قصدشان صرفاً تشویق کار گزار و قاضی به خوب عمل کردن و دقت در عمل باشد، این مسأله دو صورت دارد:

1. یا کار گزار و قاضی آگاه به تشویقی بودن آن وجه و عمل هستند و به همین نیت آن را دریافت می کنند و هیچ تأثیری در مقام عمل به قانون و حکم

ص: 15

---

1- مهذب الاحکام، ج 27، ص 34، مسأله 11.

2- جواهر الکلام، ج 40، ص 131؛ مهذب الاحکام، ج 27، ص 33، مسأله 10؛ و عروة الوثقی، جزء 3، صص 24 و 23

در نفسشان نمی گذارد؛ این صورت از مصداق رشوه خارج است.

2. و یا کارگزار و قاضی آگاه به تشویقی بودن آن وجه و عمل نیستند و آن را به عنوان این که ملاحظه حال دافعین را بکنند، می گیرند. و یا آگاه هستند؛ لکن اخذ آن اثر منفی در نفسشان می گذارد و سبب دخالت در حکم و عمل می شود. این مورد را نمی توان از مصادیق رشوه به حساب آورد، زیرا از طرف دافع، آن وجه و عمل جهت تشویقی محض دارد و هیچ نظری به متمایل ساختن آن ها به خود ندارند. به همین جهت اشکالی برای دافع نیست ولی قبول آن ها از جانب کارگزار و قاضی حرام است، نه از باب رشوه بودن بلکه از باب این که قبول، مقدمه حرام می شود. مقدمه افتادن در اثم و حکم به غیر ما انزل الله و نادیده گرفتن قوانین شرعی و مملکتی.

13 - مشهور بین فقها اینست که جواب سلام واجب است. اگر اشخاصی به کارگزاران سلام می کنند و سلامشان عنوان دخالت در رأی و حکم کارگزار را دارد، چنین سلامی مصداق رشوه بوده و علاوه براین که اصل چنین سلام کردنی حرام است، جواب آن از جانب کارگزار واجب نیست.

14- حکم حاکمی که جهت حکم و رأی خود رشوه گرفته است نافذ و دارای ارزش قانونی و شرعی نیست، اگر چه رأی و حکم او طبق قاعده و به حق باشد، زیرا بوسیله اخذ رشوه فاسق شده و حکم حاکم فاسق به ضرورت شرعی نافذ نیست. (1)

### نظری کوتاه به روایات وارده در رشوه

تعبیر مختلفی در موضوع رشوه در روایات به کار رفته که لازم است نظری هر چند کوتاه به آن ها داشته باشیم.

### رشوه محض الکفر و کفر عظیم است

چرا در روایات از رشوه تعبیر به کفر عظیم و محض الکفر شده است؟ (2)

ص: 16

1- عروة الوثقی، ج 3، صص 25 و 24؛ و مهذب الاحکام، ج 27، ص 34، مسأله 12 - 10.

2- کفر به معنای انکار نعمت، انکار حق، حق را تصدیق نکردن و قیام به شکر خداوند متعال نکردن آمده است. معجم الفاظ القرءان، ج

2، ص 506

برای پاسخ به این سؤال، به بیان نکته ای اشاره می کنیم: نظام هستی بر اساس عدل و حق آفریده شده است و دین که نظام تشریح است، هماهنگ با نظام هستی، بیان و مسائش بر اساس عدل می باشد. و هر دو نظام بر اصل واحد بنیان نهاده شده است. و آن اصل واحد، وابستگی محض و خالص به خدای متعال است. با توجه به این اصل واحد و حاکمیت عدل بر هر دو نظام، دو قاعده کلی درباره انسان استفاده می شود:

1. هر فعل و عمل ارادی که تثبیت کننده اصل وابستگی محض باشد، بر اساس عدل در نظام دینی بوده و هماهنگ با نظام هستی است. چنین عملی داخل در ایمان شکر، عقیده به خدا، رسول و آخرت است.

2. هر فعل و عمل ارادی که خروج از اصل وابستگی محض را در برداشته باشد بر اساس ظلم بوده و از عدل در نظام دین و هستی خارج است و داخل در کفر و ناسپاسی حق می باشد.

هر عمل صالح مصداق قاعده اول و هر عمل ناشایست مصداق قاعده دوم است. خروج از اصل وابستگی محض ارادی به خدای متعال مراتبی دارد و مراتب آن وابسته به شدت و ضعف در خروج از آن اصل می باشد. آن جا که خروج از اصل وابستگی خالص ارادی به خدای متعال بسیار شدید است، شاید بتوان از آن به کفر عظیم و محض کفر تعبیر کرد، هر چند شخص اعتقاد به وجود خدا و رسالت و ولایت داشته باشد.

رشوه، عملی است بر اساس ظلم و خروج شدید از اصل وابستگی ارادی به خدا. و شدت در ظلم و خروج از آن اصل و گناه بودن آن، بدان جهت است که ریشه بسیاری از مفاسد فردی، اجتماعی، اخلاقی، تربیتی، سیاسی، اقتصادی و ... است. (1) و شاید به همین جهت در روایات از آن تعبیر به کفر عظیم و محض کفر شده است. به عبارت دیگر، ناسپاسی محض و عظیم نعمت های الهی را به همراه دارد.

ص: 17

---

1- در پایان مقال به برخی از این مفاسد اشاره خواهد شد. هر چند، بسیاری از مفاسد آن ممکن است بر ما مخفی باشد. که در نظر شارع مقدس بدیهی و روشن می باشد.

## رشوه سحت است

«سحت» در لغت به معنای از بیخ و بن برکندن است و نیز آن را در شدت گرسنگی و کسی که حالت سیر نشدنی دارد «شکم فراخ» به کار برده اند و نیز به معنای مال و ثروتی که از راه های فاسد و غیر مشروع به دست آید، استعمال می شود.

«أسحت ماله»؛ یعنی، فاسد کرد آن را. و تجارت شخص سحت است؛ یعنی، پلید و حرام است. و گفته شده که سحت، هر حرامی است که ذکرش قبیح باشد. (1) سحت بودن رشوه بدان جهت است که کسبی حرام، پلید و زشت است و ذکر و یاد آن در نزد عاقلان و اشخاص دارای شرع و دین بسیار قبیح و عمل آن زشت تر است. و در واقع چنین عملی در نظام اداری، اجتماعی و قضایی کشور، اساس فضایل و انسانیت را از نفس فرد و اجتماع بر می کند و افراد مبتلا به آن شکم پاره هایی هستند که هرگز حالت سیری از این عمل زشت خود ندارند. به همین جهت، هر کسب و تجارتي که بنیانش رشوه باشد، کسب و تجارتي پلید است. برکات معنوی تجارت و کسب را ریشه کن کرده، از بین می برد و آن ثوابی که خداوند در کسب و تجارت قرار داده، نصیب این شخص نمی شود.

## رشوه بَخْس است

یزید بن فرق گفت: از امام صادق - علیه السلام - از بَخْس سؤال کردم فرمود: «بخس، رشوه در حکم است.» (2)

بخس به معنای نقصان و تضييع حقوق دیگران و ستم روا داشتن آمده است. (3) رشوه در حکم، یکی از مصادیق بخش است. شخص رشوه دهنده و رشوه گیرنده به طور مستقیم و یا غیر مستقیم حق فردی و یا اجتماعی را ناقص

ص: 18

---

1- رجوع شود به کتاب های تفسیر؛ مانند، مجمع البیان و... و کتاب های لغت؛ مانند، تاج العروس و المعجم الوسیط و...

2- وسائل الشیعه، ج 18، ص 163، روایت 4.

3- مجمع البحرین و المعجم الوسیط.



و ضایع کرده و به فرد و اجتماع ستم روا داشته است. قاضی و کارگزاری که باید طبق ضابطه و موازین قانونی و شرعی عمل کنند، با گرفتن رشوه، قانون و دین را در مقام عمل نفی می کنند و حقی را ضایع می سازند تا منافع دیگری را به ناحق پاس دارند. این ستم به نظام حاکم و دین است و نیز ظلم به کسی است که حقش به هدر رفته است. و نیز نقصی است در دین و انسانیت او و ایجاد نقص در قوه اجرایی و قانون گذاری کشور.

قاضی و کارگزاری که باید بدون چشم داشت از مراجعین و متخصصین به رفع مشکلات و فتق امور آن ها بپردازد، اگر به وسیله رشوه به اجرای قانون بپردازد، به خود، به نظام و به مراجعین ستم روا داشته و سبب نقص شده است.

### رشوه ده و رشوه گیر ملعونند

در برخی از روایات، رشوه گیر و رشوه دهنده، مورد لعن واقع شده اند. اصل کلمه «لعن» به معنای طرد و دور شدن از خدای متعال است. مورد لعن قرار گرفتن افرادی از جانب خدا، در حقیقت طرد آن ها از رحمت خدای متعال است. و ملعون کسی است که از رحمت خاص خداوند دور مانده باشد. انسان با عملی که انجام می دهد، یا به خدا نزدیک شده و مورد رحمت خاص او قرار می گیرد یا به وسیله آن عمل از خدا دور شده و مشمول قهر خدا می شود. رسول خدا - صلی الله علیه وآله - فرمود: «خداوند، رشوه دهنده و رشوه گیرنده و واسطه بین آن دو را لعنت کرده است.» (1) کارگزاری که می تواند با اجرای قانون و اخلاص در عمل، خشنودی خدا را به دست آورد، با رشوه، خود را در معرض غضب و لعنت خدا قرار می دهد. و رشوه دهنده اگر ضرورت و اضطراری در گرفتن حقش نباشد، در حکم رشوه گیرنده است. چنان که فرمود: (لَعَنَ اللَّهُ الرَّاشِيَ وَالْمُرْتَشِيَ وَالرَّائِسَ الَّذِي يَمْشِي بَيْنَهُمَا). (2)

ص: 19

---

1- وقال - صلی الله علیه وآله - : (لَعَنَ اللَّهُ الرَّاشِيَ وَالْمُرْتَشِيَ وَالرَّائِسَ الَّذِي يَمْشِي بَيْنَهُمَا) ؛ بحار الانوار، ج 104، ص 274

2- کنز العمال، ج 6، ص 116، ش 15080.

یکی از مهم ترین مسائل هر کشور که بعد از فرهنگ دارای نقش کلیدی و اساسی می باشد. اقتصاد آن کشور است. و از جمله عوامل مهم در پیاده کردن قوانین و دستورات فرهنگی، اعتقادی حقوقی، سیاسی و اخلاقی نظام حاکم، پس از وجود رهبری آگاه و مدبّر و دلسوز و با معنویت، وجود اقتصاد سالم حاکم بر شؤون اداری و ملت است؛ اقتصادی که فاصله طبقاتی را از بین ببرد و بازار از تجارت و کسبی سالم و حلال برخوردار باشد؛ اصل تقوا بر سود و سرمایه حاکم باشد؛ اسراف و تبذیر وجود نداشته باشد؛ راه های کسب درآمد، راه های عقلایی و قانونی باشد؛ تعاون عدالت و احسان، اصول مطرح شده در متن اقتصاد باشد و فضایل اخلاقی در روابط اقتصادی، حاکم باشد... تارعیّت و مردم بخصوص ضعیفان جامعه از معیشتی سالم بهره مند شوند. برای تحقّق چنین اقتصادی لازم است از عوامل منفی که ظلم و ستم اقتصادی را به همراه دارد، و حرص و طمع و سودجویی غیر مشروع و غیر عادلانه را تشدید می کند، جدّاً پرهیز شود. یکی از آن عوامل که احیاناً ریشه بسیاری از مفسدات اقتصادی می تواند قرار گیرد، وجود «رشوه» است. رشوه تأثیری منفی در خود اقتصاد و تأثیری منفی در نظام اداری و سازمان های کشوری و اثری منفی بر رعیت می گذارد. در این جا، به طور مستقل به توضیح هر کدام می پردازیم.

### اثر منفی رشوه بر اقتصاد

اقتصاد را اگر مجموعه ای از کیفیت تولید، توزیع، مصرف، تجارت و هزینه زندگی و... بدانیم، رشوه بر این مجموعه اثر منفی می گذارد. سرمایه داران، تولید کنندگان و آنانی که به توزیع کالاها اشتغال دارند، آن گاه که وجود قوانین و ضوابط، بخصوص ضوابط شرعی را مانع از درآمد بیشتر و سرمایه اندوزی خود از هر طریق ممکن بینند و ملاحظه کنند تولید و توزیع محصولاتی که مصالح سودجویانه آن ها را در برداشته باشد با وجود ضوابط امکان ندارد و قوانین مملکتی و شرعی مانع توزیع و تولید غیر عادلانه و ناصحیح است، برای ارضای شهوت مالی خویش طریق رشوه را بر می گزینند. اگر کارگزاران امور و

حاکمان در قوه قضائیه، تقوای لازم را نداشته باشند، با رشوه گرفتن، اقتصاد جامعه را دچار مسائلی منفی، هم چون احتکار، گران فروشی، تشکیل بازارهای سیاه، به وجود آمدن کسب های کاذب از قبیل: دلالی و واسطه گری معمول در بازارهای اقتصادی امروز و... نامرغوب بودن کالاهای تولیدی، تبلیغات کاذب اقتصادی، تدلیس در معاملات، تولید و وارد کردن کالاهای مبتذل، تورم، بالارفتن بیش از حد قیمت ها و... می سازند تا آن جا که بی تعهدی مسؤولان اقتصادی و قضایی کشور و عدم نظارت بر امور اقتصادی و نادیده گرفتن قوانین، اقتصاد کشور را به سوی سرمایه داری خالص هدایت می کند. اقتصادی که در آن، اصل، آزادی مطلق در تولید و توزیع و درآمد و تمرکز ثروت حاکم است. اقتصادی که در آن، ارزش های انسانی و معنوی نفی شده و محکوم اصل مادیت و سود بیشتر است.

آن گاه که کارگزار و مسؤول امور اقتصادی با گرفتن رشوه: برنامه ای را صرفاً به سود تاجر، کاسب، کارخانه دار و اهل سرمایه و... تنظیم کرد و یا طبق قانون کشوری و شرعی عمل نکرد و یا قاضی به جهت گرفتن رشوه، نظارت لازم را نداشت، فساد در محدوده کار تاجر و کاسب و کارخانه دار و... توقف نمی کند؛ بلکه اثر منفی و فاسدی بر کل اقتصاد جزئی و کلی اجتماع می گذارد. وقتی اجازه احتکار یک کالا داده شود، شکی نیست که عرضه کم و تقاضای بسیار، سبب گرانی کالا می شود و گرانی در یک کالا سبب می گردد که قیمت ها در بسیاری از کالاهای مورد نیاز اولی و ثانوی مردم بالا رود. به عنوان مثال: اگر برنج احتکار شود و قیمت زیادی پیدا کند، اگر دیروز کیلویی 20 تومان بود، امروز 60 تومان شود؛ اشخاص برای تأمین 40 تومان دست به گرانی اجناس و عمل خود می زنند. لبنیات فروش ناچار است قیمت شیر، ماست، پنیر و کره را افزایش دهد تا بتواند 40 تومان زیادی خرید یک کیلو برنج را تأمین کند. خیاط، دستمزد دوخت پیراهن و کت را افزایش می دهد، کارگر مزد روزانه را بالا می برد و... و این روش چه بسا سبب بیکاری بسیاری می شود. کارگر برای تأمین هزینه مزد بیشتری می خواهد و کارفرما بخاطر گرانی ماده اولیه، به جهت احتکار، قادر به تأمین آن نیست نمی تواند مزد کارگر را افزایش دهد؛

بلکه گاهی اتفاق می افتد که قدرت پرداخت مزد کارگر را پیدا نمی کند. به همین جهت، بیکاری افزایش پیدا می کند و کارگر به جهت نداشتن غذای سالم و کافی ضعیف شده و قادر به بالا بردن کیفیت کالا نمی شود. و نیز نامرغوب بودن یک کالا به جهت کیفیت نامطلوب، فرسودگی سریع کالا را به همراه داشته و بتدریج مردم نسبت به تولید مواد مورد نیازشان بی اطمینان می شوند، و زمانی که کالاهای داخلی را نامرغوب یافتند، به تولیدات خارجی روی می آورند. در نتیجه، اقتصاد داخلی در گذشت زمان ور شکست شده و کشور بازار بیگانه می گردد؛ فساد اقتصاد داخلی به این جا ختم نمی شود؛ صاحبان کالاها برای ور شکست نشدن و بازاریابی و فروش کالاهای تولید شده، به تبلیغات غیر واقعی روی می آورند؛ مسؤول اقتصادی را با رشوه می خرند و مهر استاندارد را جهت جلب مشتریان با تزئین کردن پوشش آن و شایعه انداختن در مورد مرغوبیت آن، به هرگونه ای که شده اخذ نموده، کالای خود را در اختیار مشتریان ناآگاه و بی اطلاع از کیفیت کالا می گذارند و به هر حال، دافع و گیرنده رشوه دست به دست هم داده متاع نامرغوب را به جای مرغوب می فروشند. که این فساد عظیم در اقتصاد یک جامعه محسوب می شود. اثرات منفی رشوه در اقتصاد بی شمار است و این مقال، گنجایش بیان آن ها را ندارد و چند مثال فوق، نمونه ای از اثرات منفی رشوه بر اقتصاد یک کشور و جامعه می باشد.

### **تأثیر منفی رشوه بر نظام اداری**

نظام اداری کشور ملجأ و پناه توده ها و قشرهایی از مردم است که برای رفع نیاز و مشکلات خود به آن جا مراجعه می کنند. در جامعه اسلامی و در حاکمیت پیامبر و امام معصوم - صلوات الله علیهم - و ولی فقیه، نظام اداری دارای ویژگی خاصی است، که آن را از سایر نظام های اداری جدا می کند، آن ویژگی عبارت است از داشتن تقوای الهی کارگزار و ایمان او به مبدأ و معاد. این ویژگی بزرگ ترین مانع در پیدایش فساد اداری و عالی ترین انگیزه برای خدمت صحیح به مردم است. امام علی - علیه السلام - در نامه ای که به مأمورین خراج و مالیات می نویسد ضمن آن که آن ها را به انصاف و مدارا و به صبر در

برآوردن حوایج مردم سفارش کرده، می فرماید: (فَانْتَكُمُ خُزَانُ الرَّعِيَّةِ وَوُكَلَاءُ الْأُمَّةِ وَسَفَرَاءُ الْأُمَّةِ...) (1) براستی که شما گنجوران رعیت و پشتیبانان امت و نمایندگان پیشوایان هستید.

کارگزاری که دارای چنین عناوینی است مسؤولیت سنگینی را در نظام اداری کشور دارد و انجام مسؤولیت در برابر رعیت، امت و پیشوایان و رعایت انصاف و مدارا و صبر بر حوایج مردم جز با داشتن ویژگی خاص تقوای الهی امکان پذیر نیست. روی همین جهت است که امیرالمؤمنین - علیه السلام - در ابتدای نامه به مالک اشتر، سخن از تقوای الهی دارد: (أَمْرُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ وَإِثَارِ طَاعَتِهِ...); (2) نظام اداری در حکومت اسلامی وسیله ای برای رشد اسلام، رشد دیانت اسلامی و کمال معنوی است. و تحقق این هدف مشروط است به حاکمیت صداقت، راستی و درستی و ایمان به مبدأ و معاد بر کارگزاران در نظام اداری. کارگزار وقتی برای اجرای قانون یا ریختن یک طرح اقتصادی و غیره به نفع شرکت خاص یا شخص خاص رشوه می گیرد، اولین اثر منفی اش این است که خودش را از نظر خدا، رسول و ائمه معصومین - سلام الله علیهم - و افراد مؤمن ساقط کرده و ارزش معنوی خود را از دست داده است و به بیان روایات، داخل در کفر و شرک و حرام خواری و ظلم شده و مورد لعن خداوند متعال گشته است. و چون ارزش انسانی در او ساقط شده، در آخرت جایگاه ابدی اش آتش می باشد. چنان که از رسول خدا - صلی الله علیه و آله - نقل شده که فرمود: (الرَّاشِي وَالْمُرْتَشِي فِي النَّارِ); (3) رشوه دهنده و رشوه گیرنده در آتش هستند. و اثر منفی بعدی این رشوه اینست که نظام، دیگر وسیله ای برای کمال معنوی و رشد دیانت اسلامی نخواهد بود؛ بلکه وسیله ای برای حرام خواری، نفی فضایل انسانی و انحراف جامعه از اسلام و... می باشد، زیرا رشوه گیری کارگزار مانع اجرای قوانین اسلامی و احکام قضایی است. و در چنین جایی است که نظام اداری از نظام اداری وابسته به اسلام ساقط می شود

ص: 23

1- نهج البلاغه، نامه 51 و 53

2- نهج البلاغه نامه 51 و 53

3- کنز العمال، ج 6، ص 113 ش 15077

هرچند نام اسلامی بودن را بر آن بگذارند. که این نام گذاری برای چنین نظامی خود معصیتی بزرگ است. و کارهای منافی با اسلام و شؤون اسلامی را انجام دادن و آن ها را اسلامی خواندن سبب متهم کردن اسلام و اسلامیان به مسائلی است که سزاوار آن نیستند. اثر منفی که ریشه بسیاری از مفاسد اداری می تواند باشد اینست که کارگزار رشوه گیر، خود را از پیشوای امت و از رعیت و مردم بخصوص گروه ضعیف جامعه جدا ساخته و در خدمت سودجویان جامعه درآمده است. و در واقع دوستی خائنین به اسلام و امت را به دشمنی با خدا و رسول و مردم خریده است. امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - طی نامه ای به یکی از کارگزارانش نوشت: (أَعْظَمَ الْخِيَانَةَ خِيَانَةُ الْأُمَّةِ وَ أَفْظَعَ الْغِيْشِ غِيْشُ الْأُمَّةِ) (1) بزرگ ترین خیانت، خیانت به امت؛ و زشت ترین دغل و خیانت، دغل با پیشوایان است.

آن گاه که نظام اداری آلوده به گناه بزرگ رشوه باشد، نظامی خیانت کار و افراد آن خائن به ملت و رهبرشان خواهند بود. خائن بدان جهت که مسؤولیت اداری از جانب پیشوا و ملت امانتی در نزد کارگزار است و او با رشوه خواری به این امانت خیانت کرده است. به همین جهت، در ادامه آن نامه فرمود: (وَمَنْ اسْتَهَانَ بِالْأَمَانَةِ، وَرَتَعَ فِي الْخِيَانَةِ، وَلَمْ يُزِرْهُ نَفْسَهُ وَدِينَهُ عَنْهَا، فَقَدْ أَحَلَّ بِنَفْسِهِ فِي الدُّنْيَا الدَّلَّ وَالْخِزْيَ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ أَذَلُّ وَأَخْرَى...) (2) هرکس امانت (دستور الهی) را خوار، سبک و بی مقدار بدارد و در خیانت به ناز و نعمت بگذارند (بی باک باشد) و نفس و دینش را از خیانت پاک نسازد، خواری و رسوایی را برای خود در دنیا فرود آورده و در آخرت، خوارتر و رسواتر است.

### اثر منفی رشوه بر مردم:

زمانی که رابطه کارگزاران با گروه تولید کننده، تاجر، توزیع کننده کالاها و احیاناً برخی از مصرف کنندگان، رابطه ای براساس رشوه باشد و ضابطه و قوانین در امر معیشت جامعه نادیده گرفته شود؛ مردم در امور معیشتی و به

ص: 24

1- نهج البلاغه، فیض الاسلام، آخر عهدنامه 26، صص 886 - 885

2- نهج البلاغه، فیض الاسلام، اواخر عهدنامه 26، صص 886 - 884

دست آوردن نیازهای مادی خود به ناحق و نادرست ناگزیر راه هایی را بر می گزینند که جدای از صراط عقل و دین است. وقتی که می بینند، قادر نیستند راه های قانونی را برای رسیدن به معیشت و مال به گونه ای آسان و بدون باج گیری کارگزاران و سرمایه گذاران بپیمایند، در چنین موقعیتی به گمان خودشان چاره ای نمی بینند جز این که از بسیاری مسائل معنوی، فطری و انسانی چشم پوشی کنند و به بدترین حالت و صفت که نفاق است، روی آورند؛ به درآمدهای کاذب و بادآورده نظیر واسطه گری، ربا و... مبتلا شوند. و افرادی برای حفظ شؤن انسانی و بیرون نرفتن از موازین دینی و حتی پرهیز از شبهات به سختی بگذرانند و به حداقل امور معیشتی اکتفا کنند. و بسیاری هم که نمی توانند از امور مادی چشم پوشی کنند، به نیرنگ و تزویر به کسب درآمد می پردازند.

اثر منفی رشوه بر مردم، علاوه بر این که راه های نامشروع کسب درآمد را به روی آنان می گشاید، آنان را نسبت به نظام و حکومت و مقامات حکومتی بدبین و بی اعتماد کرده، حکومتیان را مشتکی دزد و اجحاف گر جلوه می دهد. براین اساس، هرگز گوش دل به سخنان کارگزاران نخواهند داد و محبت قلبی به آنان نخواهند داشت و رابطه منافقانه را با افراد مسؤول برخواهند گزید.

### رشوه در سیاست

سیاست در نظام اسلامی بر اصل توحید استوار بوده و نتیجه آن رشد و شکوفایی معنوی جامعه در پرتو استقلال فرهنگی، اقتصادی و شؤن مختلف کشور اسلامی است. در این سیاست، هرگونه سازشی با ظالم، فاجر مفسد، محکوم است. و آن چه موجودیت سیاست اسلامی را به اثبات می رساند، ستیز با فسادگران و محو فساد و بی عدالتی است. کارگزاری که رشوه می گیرد و فرد و افرادی که رشوه می پردازند، با عمل خویش محور چنین سیاستی را به امضا می رسانند؛ یعنی، سیاست را از متکی بودن بر اصل توحید خارج ساخته و آن را بر اصل کفر و شرک قرار می دهند و عملشان ظلم و فجور بوده و تقویت کننده ستم گر و گناهکار در جامعه می باشد. کارگزاری که امروز برای چند ریالی اندک،

شرف انسانی را زیر پا می گذارد و با عملش سیاست متکی بر توحید و خداشناسی را قربانی هوای نفس و رفاه مادی اش می کند؛ اگر روزی از دول خارج به او پیشنهادی شود و از او بخواهند که اسرار نظامی و سیاسی مملکت را در اختیارشان بگذارد و یا در نظام اداری کشور به گونه ای عمل کند که درگذشت زمان منجر به حذف فرهنگ اسلامی و گسترش فساد اجتماعی و نارضایتی مردم از نظام اسلامی شود؛ آیا توانایی آن را خواهد داشت که آن پیشنهاد را رد کند و به ملت و مملکتش خیانت نکند؟ چنین امری بعید به نظر می رسد. شخص رشوه خوار که به تعبیر روایات داخل در کفر و شرک شده است. به عزت، استقلال و بزرگی کشور و ملت اهمیتی نمی دهد. کسی که خود به پستی و زشتی روی آورده و به قانون مملکت و دین خیانت کرده است، بعید نیست که دست بیگانه را به صورت پنهانی بر شوون مملکت و سرنوشت دین و ناموس مردم باز بگذارد. چنان که خیانت های بنی صدر، قطب زاده و گروهک های منافقین، توده ای ها، فداییان اقلیت و اکثریت خلق و... گواهی روشن بر خیانت اینان به اسلام، ملت و مملکت در طول دوران انقلاب اسلامی است. و ملاحظه می کنیم که گروهک منافق هنوز از بیگانه و دشمن ملت پول می گیرد و علیه انقلاب اسلامی و ملت و نظام اسلامی دست به جنایت و توطئه می زند. به بیان بلند امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - ملاک سیاست (در حکومت اسلامی) عدالت است؛ (مِلاکُ السَّیَاسَةِ الْعَدْلُ) (1)؛ (لا ریاسة کالعدل فی السیاسة)؛ (2) ریاستی مانند عدالت در سیاست نیست. و کسی توانایی درک چنین سیاستی را دارد که خویشتن را بر اساس عدالت، سیاست کرده باشد؛ (مَنْ سَاسَ نَفْسَهُ اَذْرَكَ السَّیَاسَةَ)؛ (3) کسی که خود را سیاست کرد، به درک سیاست نایل شود. و این همان حسن سیاستی است که قوام رعیت به آن بوده و مرادف با عدل است. چنان که فرمود: (حُسْنُ السَّیَاسَةِ قَوَامُ الرِّعَايَةِ) (4) و یا

ص: 26

1- شرح غرر، ج 6، ص 116، ش 9714

2- شرح غرر، ج 6، ص 430

3- شرح غرر، ج 5، ص 209، ش 8013

4- شرح غرر، ج 3، ص 384، ش 4815



زمانی که امرا و کارگزاران نظام به فساد بزرگی چون رشوه آلوده شوند، جای هیچ شکی نیست که عدالت و حسن سیاست از جامعه برچیده خواهد شد و کارگزاران به سوء سیاست مبتلا خواهند شد. در این هنگام انتظاری جز گسترش فساد اقتصادی و اخلاقی در میان ملت نباید داشت. به بیان زیبای امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - قلوب رعیت و مردم خزینه های والیان و کارگزاران آن هاست. پس، آن چه از عدل یا جور و ستم در آن به ودیعه گذارند همان را خواهند یافت؛ (قُلُوبُ الرَّعِيَّةِ خَزَائِنُ رَاعِيهَا فَمَا أُوذِعَهَا مِنْ عَدْلٍ أَوْ جَوْرِ وَجَدَهُ). (2)

## رشوه در اخلاق

«اخلاق»، فضایل و رذایلی است که در اثر تمرین برای نفس به صورت ملکه در می آید و پس از آن اعمال صادر شده براساس فضایل و یا رذایل ملکه شده و بدون فکر و رویه خواهد بود. در شعاع رشوه به اهداف و اغراض خویش رسیدن و رشوه گرفتن نفس انسان را ظرف چه صفاتی قرار خواهد داد. شکی نیست در این که رشوه به عنوان کفر عظیم، شرک، سحت و بخش هرگز شرط ایجاد زمینه برای فضایل نیست و نخواهد بود. بنابراین، باید در پی به دست آوردن این مطلب باشیم که رشوه از چه صفات رذیله ای سرچشمه می گیرد و خود زمینه کدام صفات رذیله را در نفس به وجود می آورد؟ ابتدا به بررسی صفاتی می پردازیم که منشأ برای صدور عملی زشت چون رشوه است؛ آن گاه به بیان صفات رذیله ناشی از رشوه اشاره خواهیم کرد.

## رشوه از کدام صفات رذیله ناشی می شود؟

انسان دارای غریزه ای به نام منفعت طلبی است. به سود خود حرکت کردن و علیه خود اقدام نکردن بیان و سخن این غریزه است. حق طبیعی این غریزه

ص: 27

1- شرح غرر، ج 2، ص 90، ش 1954

2- شرح غرر، ج 4، ص 521، ش 6825

اینست که به آن چه سود و منافع انسان را دربر دارد، روی آورد اما نه به نحو مطلق و رها، که هیچ گونه قیدی نداشته باشد. بلکه باید مقید در محدوده ضوابط عقلی و شرعی و اصول انسانی باشد. رذیله بودن منفعت و سودطلبی زمانی است که از قیود مذکور خارج شود. آن گاه که غریزه منفعت، بخواهد خارج از اصول انسانی و ضوابط عقلی و شرعی ارضا شود، جنبه رذیلت پیدا می کند؛ البته نه به عنوان غریزه بودن، بلکه به عنوان خروج از قیود. رشوه می دهد تا قاضی و حاکم به نفع او بر خلاف ضوابط قضایی حکم کند. و قاضی رشوه می گیرد تا مالی و پولی به دست آورد. هر دو براساس غریزه منفعت طلبی اقدام کرده اند لیکن خارج از ضوابط و اصول عقلی و دینی و انسانی.

رئیس اداره و یا کارمندی که برای اجرای قانون و یا برای این که قانون را در مورد شخصی یا گروهی حذف کند، رشوه می گیرد؛ و شخص یا گروهی که برای این موارد رشوه می دهند، به غریزه منفعت طلبی خود پاسخ گفته اند؛ ولی این پاسخ براساس ضوابط شرعی و عقلی و اصول انسانی نیست. عقل و شرع و اصل انسانی بودن عمل، حکم می کند که قوانین قضایی رعایت شود و قاضی تن به آدابی بدهد که مخصوص اوست. و رئیس و کارمند براساس تقوا، باید پاسدار ضوابط نظام اسلامی باشند و به حقوق ماهانه خود اکتفا کرده با توکل به خدا و قناعت در خرج و مصرف، هیچ گونه چشم داشتی از سوی رجوع کننده نداشته باشند و به آن چه وظیفه آن هاست، عمل کنند. و مراجعین به محاکم و ادارات باید به اجرای قانون - خواه به سودشان تمام شود و یا به ضرر مادی آن ها- راضی باشند. رشوه دادن و رشوه گرفتن، خروج از شرع و عقل و داخل شدن در کفر و ناسپاسی خداوند متعال است. خروج غریزه منفعت طلبی از اصول انسانی به علت ضعف ایمان است؛ ضعف ایمان، انسان را در ارضای غرایز به نفی ضوابط شرعی و عقلی می خواند. و در واقع او را به ظلم و ستمگری می کشاند.

با توجه به این که در مرحله اول ریشه ارتکاب عمل رشوه، ضعف ایمان؛ و در مرحله دوم، غریزه منفعت طلبی است، رذیلت شدن منفعت طلبی متکی بر رذیلت دیگری است که آن ماندن در ضعف ایمان باشد.

## صفات رذیله ناشی از رشوه

در افراد مبتلا به عمل زشت رشوه، دوگونه صفات رذیله پدید می آید؛

1- صفات رذیله ای که خود را در پناه آن مستور کرده و از بی آبرویی و رسوایی محفوظ بمانند.

2- صفات رذیله ای که به جهت اعمال رشوه گیری و رشوه دهی ناچار از داشتن آن ها هستند.

قسم اول؛ مانند: صفت ریا، دروغ، نفاق، خدعه، مکر و... است؛ قسم دوم؛ مانند: صفت خیانت، تخلف از وعده، بی اعتنایی به قانون و ضوابط، بی عدالتی و تبعیض و حرام خواری، ذلت، حرص و شقاوت و... است.

این دو قسم صفت رذیله موجب نداشتن بسیاری از صفات فضیلت، از جمله ترک توکل به خدا، قناعت، عدالت، انصاف، عفت و از همه مهم تر ترک وابستگی محض ارادی به خدای متعال است که از بالاترین صفات فضیلت می باشد.

## عامل نابودی رشوه

متوجه این نکته شدیم که ابتلای شخص و افراد به رشوه به خاطر انحرافی است که در حب مال و جاه و غریزه منفعت طلبی پیدا می کنند و این انحراف ناشی از ضعف ایمان است. اقدام اساسی در نابودی رشوه در نظام اداری و قضایی، زمانی ممکن می شود که نظام به تقویت ایمان کارگزاران و تزکیه نفس آن ها اقدام کند. اقدام به مجازات افراد رشوه خوار و یا برکناری آن ها از مسئولیت هرچند اثر لازم خویش را بر فروکش کردن مسأله رشوه می گذارد؛ ولی عقده رشوه گیری را از روح و نفس کارگزار نمی گشاید. بنابراین، در کنار مجازات های قانونی، تقویت ایمان کارگزاران نیز ضرورت دارد. امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - هنگامی که نامه ای به یکی از کارگزاران می نویسد، ضمن تهدید، او را به ترس از خدا، قیامت و روی آوردن به حق، تشویق و دعوت می فرماید؛ و چنین نشان می دهد که تنها راه نفی خیانت کارگزار تنزیه و تزکیه نفس و دین او از خیانت و بدی هاست.

## اثر منفی رشوه در عبادت و آخرت انسان

به بیان برخی از روایات، رشوه از مصادیق سحت است. و سحت به معنای مال و ثروتی است که از راه غیر مشروع کسب شود؛ رشوه، سحت است؛ یعنی، کسبی پلید و حرام است.

در روایات بسیاری اثر منفی کسب حرام و حرام خواری بیان شده که به نگارش چندی از آن روایات می پردازیم:

رسول خدا - صلی الله علیه وآله - فرمود: (مَنْ لَمْ يُبَالِ مِنْ آيِّ بَابٍ اِكْتَسَبَ الدِّينَارَ وَ الدَّرْهَمَ لَمْ اِبَالِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ آيِّ ابْوَابِ النَّارِ اَدْخَلْتُهُ)؛ (1) کسی که باک ندارد از چه راهی کسب درآمد کند، باک ندارم از کدام در او را وارد جهنم کنم.

و نیز فرمود: (اِذَا وَقَعَتِ اللُّقْمَةُ مِنْ حَرَامٍ فِي جَوْفِ الْعَبْدِ لَعَنَهُ كُلُّ مَلَكٍ فِي السَّمَوَاتِ وَ فِي الْاَرْضِ)؛ (2) زمانی که لقمه ای از حرام در شکم بنده ای قرار گیرد، هر فرشته ای در آسمان ها و در زمین او را لعنت می کند.

رسول خدا - صلی الله علیه وآله - فرمود: (كُلُّ جَسَدٍ يُنْبِتُ مِنْ سُحْتِ فَالنَّارُ اُولَى بِهِ)؛ (3) هر بدنی که از سحت (مال حرام) بروید و رشد کند سزاوار (سوختن) در جهنم است.

و حذیفه به نقل از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) گفت: (إِنَّهُ لَيْسَ لَحْمٌ نَبَتَ مِنْ سُحْتٍ فَيَدْخُلُ الْجَنَّةَ)؛ (4) برآستی گوشتی که از سحت (مال حرام) بروید، داخل بهشت نمی شود.

و از ابن مسعود به نقل از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) روایت شده که آن حضرت فرمود: «کسی که لقمه ای از حرام بخورد، نمازش تا چهل شب قبول نمی شود و دعایش تا چهل روز به اجابت نمی رسد و هر گوشتی که از حرام بروید سزاوار جهنم است...» (5)

ابن عباس به نقل از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) گفت: (لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ لَحْمٌ نَبَتَ مِنْ

ص: 30

1- بحار، ج 103، ص 11، حدیث 46.

2- بحار، ج 103، ص 12، حدیث 52

3- کنز العمال، ج 4، ص 14، حدیث 9259

4- کنز العمال، ج 4، ص 14، حدیث 9263

5- کنز العمال، ج 4، ص 15، حدیث 9266

سُحْتٍ)؛ (1) گوشتی که از سحت بروید، داخل بهشت نمی شود.

اثر منفی کسب حرام در فرزندان نیز ظاهر می شود؛ چنان که امام صادق (علیه السلام) فرمود: (كَسْبُ الْحَرَامِ بَيِّنٌ فِي الذَّرِيَّةِ). (2)

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: (الْعِبَادَةُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَالْبِنَاءِ عَلَى الرَّمْلِ وَقِيلَ عَلَى الْمَاءِ-)؛ (3) عبادت به همراه حرام خواری، مانند بنایی است که بر شن زار - و یا بر آب - ساخته شود.

## هدیه

در مسأله ششم از فروع رشوه، گفته شد: آن چه شخص برای جلب توجه قاضی و کارگزار می پردازد، اگر به عنوان هدیه باشد، چنین هدیه ای حکم رشوه را دارد و سحت است.

فقها، هدیه ای را که رنگ رشوه دارد؛ مانند، هبه که جنبه رشوه داشته باشد، حرام دانسته اند. و رشوه، نسبت به هر یک از هدیه و هبه، به مانند اعانت برگناه عام بوده و شامل این موارد نیز می شود. (4)

حضرت امام خمینی (قدس سرّه شریف) در «تحریر الوسیله» چنین بیان داشته اند: «گرفتن رشوه و پرداختن آن حرام است؛ اگر به واسطه رشوه بخواهد به حکم باطلی نایل شود. بلی، اگر تنها راه رسیدن او به حقش پرداخت رشوه باشد، برای پرداخت کننده جایز، ولی بر گیرنده آن حرام است و اگر رسیدن به حقش متوقف به پرداختن رشوه نباشد، باز احتیاط ندادن رشوه است؛ بلکه در این صورت نیز رشوه دادن و گرفتن حرام است و واجب است کسی که رشوه را گرفته آن را به صاحبش برگرداند. و تمام موارد فرق نمی کنند بین این که رشوه به عنوان رشوه، یا به عنوان هدیه یا هبه و یا بیع محاباتی و... باشد.» (5)

ص: 31

1- کنز العمال، ج 4، ص 16، ش 9275

2- وسائل الشیعه، ج 12، ص 53

3- بحار، ج 103، ص 16، حدیث 73.

4- جواهر، ج 40، ص 133

5- تحریر، ج 2، ص 406، کتاب القضاء، مسأله 6.

در «عروة الوثقی» نیز آمده است: «هبه، هدیّه، مصالحه، بیع محاباتی برای رسیدن به حکم باطل پرداخت می شود، ملحق به رشوه می شود.» (1)

در این جا احادیثی چند در رابطه با هدیه دادن به کارگزاران نقل می کنیم: حضرت علی - علیه السلام - فرمود: (أخذ الأمير الهدیة سحت و قبول القاضی الرّشوة کفر)؛ (2) گرفتن هدیه توسط امیر سحت و قبول رشوه از سوی قاضی کفر می باشد.

از حذیفه نقل شده است: (هدایا العَمَالِ حَرَامٌ کُلُّهَا)؛ (3) هدیه هایی که به کارگزاران پرداخت می شود تمامش حرام است.

از ابن عباس نقل شده است: (الهدیة إلی الإمام غُلُولٌ)؛ (4) پرداخت هدیه به حاکم و رهبر، غلول و حرام است.

توجه داشته باشیم که سحت یا غلول و یا حرمت هدیه در صورتی است که دهنده، انگیزه اش جلب نظر حاکم و زمام دار باشد تا به سود او حکم کند؛ اگرچه به ناحق باشد - آن چنان که در رشوه بیان شد.

در کلام امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - بود که فرمود: (وَإِنْ أَخَذَ هَدِيَّةً كَانَ غُلُولًا)؛ (و اگر والی) هدیه بگیرد، خیانت کار است.

خلاصه این که اگر شخص در هدیه دادن قصد مودت و دوستی داشته باشد و یا هدیه می کند تا عوض بیشتری را بگیرد مانند فقیری که هدیه ای را برای شخص ثروتمند می فرستد و توقع عوض بیشتری دارد، چنین هدیه ای حلال بوده و جایز است؛ اما هدیه اگر برای جلب نظر والی و قاضی و... باشد تا به وسیله آن ها در مسأله محاکمه به اغراض خویش نایل شود - خواه انگیزه مباحی (مانند حصول مودت و دوستی) داشته باشد و خواه چنین انگیزه ای نداشته باشد - چنین هدیه ای در حکم رشوه است و پرداختن و گرفتن آن حرام می باشد. (5)

ص: 32

1- عروة الوثقی، ج 3، ص 23، مسأله 22.

2- کنز العمال، ج 6، ص 112، ش 15069

3- کنز العمال، ج 6، ص 112، ش 15068

4- کنز العمال، ج 6، ص 111، ش 15062

5- به کتاب جامع السعادات، ج 2، صص 174 - 171 مبحث فرق بین رشوه و هدیه مراجعه شود.

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

